

مقاله پژوهشی: ارزیابی مشروعیت تحریم‌های هوانوردی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر ژئوپولیتیک هوانوردی غرب آسیا

20.1001.1.24234621.1401.12.47.3.5

محمدعلی کفایی فر، احجت رستمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۳۰

چکیده

ایالات متحده آمریکا خارج از قطعنامه‌های شورای امنیت به‌طور یک‌جانبه به تحمیل تحریم‌هایی در حوزه‌های مختلف، خاصه حوزه هوانوردی علیه بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده است. تحریم در صنعت هوانوردی، ایمنی اساسی‌ترین عنصر و نیاز مبرم این صنعت را مورد چالش قرار می‌دهد و به تبع آن آثار جدی بر ژئوپولیتیک منطقه‌ای می‌گذارد. در نوشتار حاضر دو پرسش مهم مطرح شده است: نخست اینکه تحریم‌های هوانوردی ایالات متحده علیه ایران در پرتو موازین حقوق بین‌المللی بشر چگونه ارزیابی می‌شوند؟ دوم اینکه این تحریم‌ها چه تأثیری بر ژئوپولیتیک هوانوردی در غرب آسیا دارند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها نگارندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی بدین یافته‌ها دست پیدا کردند که در مورد تحریم‌های هوانوردی با توجه به ارتباط مستقیم ایمنی هوانوردی با حق حیات، حق امنیت، حق بر سلامتی و حق بر توسعه به‌مثابه حقوق بنیادین بشری که به‌واسطه اعمال تحریم‌های هوانوردی آمریکا بر ایران به‌طور قطع نقض شده تردید جدی نسبت به مشروعیت تحریم‌ها وجود دارد و حقوق بین‌الملل بشر محور که داعیه‌دار حفظ حقوق انسانی است را با چالش جدی مواجه می‌کند. افزون بر آن این تحریم‌ها سبب شدند تا ایران نتواند از فرصت‌هایی که ناشی از موقعیت ژئوپولیتیک هوانوردی منطقه است به‌خوبی بهره‌مند شود.

کلیدواژه‌ها: تحریم، مشروعیت، تحریم هوانوردی، حقوق بشر، ژئوپولیتیک هوانوردی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی قم؛ دکتری حقوق بین‌الملل عمومی (نویسنده مسئول، ایمیل:

ma.kafaeifar@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

مقدمه

تحریم‌های هوانوردی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران- و به تعبیر دقیق‌تر علیه مردم ایران- از سال ۱۹۷۹ تاکنون سبب شده‌اند تا دست‌کم ۲۰۰۰ نفر کشته شوند. «حق حیات» و «حق بر سلامتی» به‌مثابه دو حق بنیادین حقوق بشری است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳ و ۲۲) که بیشترین آسیب‌پذیری را در قبال تحریم‌های هوانوردی دارند. در این مقاله نشان داده خواهد شد که به‌واسطه تحریم‌های هوانوردی یک‌جانبه آمریکا علیه کشورمان به‌طور قطع این سه حق بنیادین نقض شده است. لازم به توضیح است که استهلاک در صنعت هوانوردی به‌گونه‌ای ریزنقش و مخفی است که تشخیص آن برخی اوقات برای کارشناسان هوانوردی نیز کار دشواری است؛ لذا تحریم‌های هوانوردی برای نظام هوانوردی و هواپیمایی ایران که- همانند دیگر کشورها- به صنعت هوانوردی غربی وابسته است می‌تواند بسیار خطرناک باشد و در نتیجه تحریم این صنعت از سوی کشورهای غربی-به‌ویژه آمریکا- می‌تواند دست‌کم این سه حق بنیادین را به‌راحتی به نقض بکشاند.

پس از معاهدات وستفالی که سرآغاز تکامل جامعه بین‌المللی جدید است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۴۳) حقوق بین‌الملل کلاسیک با محوریت دولت‌ها شکل گرفت؛ بنابراین حاکمیت مفهوم جدید و خطرناک «قدرت نامحدود» را پیدا کرد (کلیار، ۱۳۸۶: ۳۶)؛ بر همین اساس است که برخی حقوق بین‌الملل را «حقوق بین‌الملل دولت‌محور» می‌شناسند (توحیدی، ۱۳۹۳: ۲۲)؛ اما تحول مهم در نظام حقوق بین‌الملل این است که «حقوق بین‌الملل دولت‌محور» صرف به‌سرعت و با شتاب شگفت‌انگیزی به‌سوی «حقوق بین‌الملل بشرمحور» سوق داده شد (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۳۷)؛ لذا امروزه تردیدی نیست غایت حقوق بین‌الملل، «بشر» است؛ بدین معنا که هر آنچه قواعد حقوق بین‌الملل در کشاکش نقد نظرات علما و فیلسوفان حقوق روی به تکامل می‌نهد بایستی از کنه نظرات ایشان، بشر و حق‌های بشر، تجلی می‌یابد (فلسفی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). امروزه ضرورت دارد به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و عمل شود که حقوق بشر ابنای بشر را حفظ کند؛ در غیر این صورت،

مسیر صحیح حقوق بین‌الملل روز، خدشه‌ای شگرف به خود دیده است. «حق فعالیت آزاد اقتصادی» (میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶، مواد ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸) که به‌وضوح شامل بازرگانی شرکت‌های هواپیمایی و تولید درزمینه صنعت هوانوردی است ازجمله حقوق اساسی است که میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مواد مختلف خود به آن اشاره دارد (مهرپور، ۱۳۹۰: ۳۸). حق برخورداری از شرایط عادلانه کار در سیستم بازار بین‌المللی هوانوردی و حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون هوایی و هوانوردی و... ازجمله این حقوق است. «حق بر توسعه» از دیگر حقوق اساسی بشر است که علاوه بر مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵ میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به‌طور نسبی به حق توسعه اشاره دارد (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۸۶). اعلامیه ۱۹۹۳ وین در تعریف حق بر توسعه، اشعار می‌دارد: «حقی جهانی و جدایی‌ناپذیر و جزء جدایی‌ناشدنی حقوق اساسی بشر است»؛ همچنین اعلامیه حق بر توسعه این‌گونه تعریف می‌کند: «حق انسانی جدایی‌ناپذیر که به‌موجب آن هر انسانی حق دارد در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی به‌طور کامل تحقق می‌یابد، مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره‌مند شود». شورای حقوق بشر در لیست اعلام موارد نقض به این موارد اشاره می‌کند: ایجاد محدودیت تجاری، ایجاد ممنوعیت معامله، انسداد در دارایی‌های فردی و یا جمعی و... . معیارهای اخلاقی مشروع ازجمله اصولی است که بایستی در اعمال تحریم‌ها رعایت گردد، چه از سوی سازمان ملل متحد و چه از سوی یک یا چند دولت باشد (Riesman and Stevick, 1998:104)؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت بشر گردیدند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند (مافی، ۱۳۸۵: ۵۲)؛ چراکه «حقوق بین‌الملل بشر محور» مبتنی بر کرامت، شخصیت و ارزش‌های والای انسانی باید از ورود رنج و آزار به مردم بی‌گناه به‌منظور اهداف سیاسی از طرف دولت‌ها جلوگیری کند (شاو، ۱۳۷۴: ۴۰۸).

آمریکا کشوری است که تمایل بسیار به وضع تحریم علیه کشورهای هدف در راستای اهداف سیاست خارجی خود دارد، تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده امریکا به خاطر

فراسرزمینی بودن به موضوعی مجادله‌برانگیز مبدل شده که بسیاری صاحب‌نظران معتقدند این تحریم‌ها در حقوق حاکمیتی کشورها دخالت می‌کند (زمانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۴). مهم‌ترین راهبرد آمریکا برای کارآمد کردن تحریم‌ها و ممنوعیت تجاری علیه ایران در وضعیت اقتصاد جهانی تبدیل کردن گزینه نظامی از جایگزینی برای تحریم و محدودیت تجاری به مکملی برای آن بوده است (بیات، ۱۳۹۵: ۴۳). در وضعیت کنونی که ایالات متحده آمریکا با نقض قواعد حقوق بین‌الملل و برخلاف متن و روح برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به‌طور یک‌جانبه از این سند خارج شد؛ به نظر می‌رسد اقدام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر طرح شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی است که می‌تواند در معرض چشم جهانیان موضوع عدم مشروعیت این تحریم‌های یک‌جانبه را مطرح کند و بر اساس دستور موقت صادرشده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری^۱ ایالات متحده آمریکا باید در مورد لغو تحریم‌های دارویی، غذایی، بشردوستانه و هوانوردی اقدام کند.

مقاله پیش‌رو- به‌عنوان یک موضوع جدید- به‌طور تخصصی موضوع مشروعیت تحریم‌های هوانوردی اعمال‌شده توسط آمریکا علیه ایران را با توجه به تحولات حقوق بین‌الملل و همچنین تأثیر آن بر ژئوپلیتیک هوانوردی غرب آسیا مورد واکاوی قرار می‌دهد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه تحقیق

اگرچه در خصوص تحریم‌ها آثار آن و همچنین مشروعیت و قانونی بودن آن‌ها از نظر حقوق بین‌المللی کارهای متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما در رابطه با مشروعیت تحریم‌های هوانوردی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

^۱ Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and consular Rights, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Request for the Indication of Provisional Measures, order of 3 October, 2018.

متن در لینک زیر قابل دسترسی است:

<https://www.icj-cij.org/files/case-related/175/175-20181003-ORD-01-00-EN.pdf>(last visit 3/17/20)

به‌طور خاص و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر ایمنی هوانوردی در غرب آسیا تحقیقی صورت نگرفته است؛ با این حال می‌توان به کارهای علمی انجام‌شده زیر اشاره کرد:

سید قاسم زمانی و کاظم غریب‌آبادی در فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی در سال ۱۳۹۴ به بحث در مورد «واکاوی قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی به‌موجب حقوق بین‌الملل» پرداخته‌اند. هرچند در این مقاله قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل کار شده است؛ اما به‌طور مشخص در مورد تحریم‌های هوانوردی که آمریکا علیه ایران تحمیل کرده است و همچنین ارزیابی این تحریم‌ها از منظر حقوق بین‌الملل بشر پرداخته نشده است.

همایون مافی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل» در فصلنامه پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۸۵ ارزیابی تحریم‌های اقتصادی را از منظر حقوق بین‌الملل بررسی کرده است. در حقیقت بحث اصلی در این مقاله این است که آیا در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل، دولت آمریکا می‌تواند به‌طور یک‌جانبه تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران وضع کند؟ در این مقاله از زاویه حقوق بشر به مشروعیت و قانونی بودن تحریم‌ها پرداخته نشده است؛ به عبارت دقیق‌تر حتی اگر حقوق بین‌الملل اعمال تحریم‌های یک‌جانبه را منع نکرده باشد بررسی موضوع از منظر حقوق بین‌الملل بشر وجود دارد.

۱. مفهوم ژئوپولیتیک هوانوردی

ژئوپولیتیک که از آن به سیاست جغرافیایی نیز تعبیر می‌شود عبارت است از مطالعه تعیین سیاست یک کشور بر اساس عوامل جغرافیایی به‌خصوص جغرافیای طبیعی آن کشور. در مطالعات ژئوپولیتیک جغرافیدانان غالباً با برقراری رابطه علت و معلولی بین بعضی عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور سعی می‌کند به تفسیر وقایع تاریخی پرداخته و ضمن پیش‌بینی وقایع آینده خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین نماید و به این ترتیب عوامل جغرافیایی را حاکم بر مقدرات و تعیین‌کننده سرنوشت سیاسی ملت‌ها می‌داند (میرحیدر، ۱۳۴۵: ۱۲۹). هوانوردی عبارت است از علم طراحی و توسعه اجسام پرنده که به‌صورت ویژه‌ای منظور از اجسام پرنده همان دستگاه‌های است که به‌عنوان هواپیما شناخته

می‌شوند. ژئوپلیتیک هوانوردی را می‌توان بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی (اعم از طبیعی و انسانی) بر صنعت هوانوردی دانست. آن بخش از جهان که «غرب آسیا» گفته می‌شود «مجموعه‌ای است از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا که هر یک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

۲. مفهوم تحریم

تحریم عبارت است از امتناعی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروه خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار موردقبول؛ باوجوداین کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاها و خدمات تولیدی یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد. هدف از تحریم ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت مورد تحریم است و البته عده‌ای مهم‌ترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۰). تحریم سلسله اقداماتی است که بدون استفاده از قوای مسلحانه تهدید علیه دولت‌های هدف یا فرد موردنظر اعمال می‌شود (Malloy, 1990:7). مارگارت داکسی تحریم‌های بین‌المللی را تنبیهاتی می‌داند که در قالب تبعات ناکامی اهداف در تبعیت از استانداردها یا الزامات بین‌المللی اعمال می‌شود (Doxey, 1996:9). تحریم از نظر موضوع به دو دسته اقتصادی و غیر آن طبقه‌بندی می‌شود، تحریم غیراقتصادی مانند عدم صدور ویزا برای مقامات دولت تحریم‌شونده در یک سازمان بین‌المللی و همچنین مخالفت با پیشنهاد دولت تحریم‌شونده برای میزبانی وقایع مهم بین‌المللی و... که به وسیله ابزارهایی جز تحمیل هزینه‌های اقتصادی قابل دستیابی هستند (Hufbauer, Schott, Kimberly, 2001:32). برخی تحریم اقتصادی را صرفاً به ابعاد عملیاتی محدود می‌نمایند و آن را در حقیقت حذف آگاهانه توسط یک دولت و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول می‌دانند. مزیت این تعریف آن است که تحریم اقتصادی به حقایق مشهود محدود می‌شود و نه آنکه به تفسیر انگیزه‌ها تسری یابد (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۱). کارتر (Carter, 1989:11) تحریم اقتصادی را تدابیر قهرآمیز اقتصادی

ضد یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور یا کشورها می‌داند (باقری، مهدوی و شریف‌نژاد، ۱۳۹۳: ۶۵) که دست‌کم بازگوکننده نظر یک کشور درباره این‌گونه سیاست‌هاست (بهروزی‌فر و کوکی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). تحریم اقتصادی از دو جنبه تجاری و مالی برخوردار است، در تحریم تجاری ممنوعیت و محدودیت درزمینه صادرات و واردات اعمال می‌شود لیکن در تحریم مالی، تحریم‌کننده از انجام معاملات مالی، نقل و انتقال پول و سرمایه‌گذاری خودداری و حتی با استفاده از نفوذ خود در مؤسسات مالی بین‌المللی از همکاری فنی، سرمایه‌گذاری رسمی و انعقاد قرارداد وام جلوگیری می‌کند. شدیدترین شکل تحریم مالی، انسداد یا مصادره دارایی دولت تحریم‌شونده یا رهبران آن‌هاست (آقایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳). برخی نیز گفته‌اند تحریم یک تئوری است که کارکردهای متفاوتی دارد فی‌مابین اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی و تحریم‌ها بالأخص تحریم اقتصادی تنش وجود دارد؛ چراکه هدف اصلی تحریم‌های اقتصادی ایجاد محدودیت در تجارت آن‌هم به دلایل غیرتجاری است؛ حال آنکه سازمان تجارت جهانی به‌مثابه یک سازمان جهانی در مدیریت تجارت بین‌المللی آزادسازی تجارت را مورد هدف دارد. تحریم‌ها دقیقاً به این معنی هستند که کشورها را از پیشرفت‌های اقتصادی که از طریق دادوستد و تجارت حاصل می‌شود محروم نمایند (Smeets, 2018:3).

تحریم، سلب، محرومیت وسیله اعمال فشار بر دولت، جامعه، شرکت یا دیگر بازیگران برای انجام خواسته مشخص و معین است که از طریق محدودیت یا ممنوعیت مواد اولیه برخی کالاها، اقدامات مالی یا دیپلماتیک حتی فعالیت‌های فرهنگی اعمال می‌شود، هر یک از استراتژی‌های مذکور با اقدامات متفاوت و متمایز بر بازیگران اعمال فشار می‌کند. تحریم‌های اقتصادی به‌طور ویژه از طرف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تحمیل می‌شود و اثراتی را به بار می‌آورد. برای مثال در آفریقای جنوبی برای مبارزه با نژادپرستی و آپارتاید، بخش خصوصی و عمومی هر دو بر رژیم نژادپرست اعمال فشار کردند. تحریم‌های قانونی بر سرمایه‌گذاری، یک روش مستقیم است برای دستیابی به عدم سرمایه‌گذاری حکومتی که با مداخله دولت‌ها انجام می‌شود. از تحریم یک معنی و مفهوم

استاندارد وجود ندارد و برخی یک معنای موسعی از آن ارائه می‌دهند؛ از جمله کرافورد که بیان می‌دارد: «تحریم‌ها جهت نفی و رد اقدامات سستی است که با هدف ارتقای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بر کشورهای هدف تحمیل می‌شود». این در حالی است که بعضاً تحریم‌ها تهدیدی برای یک جامعه محسوب می‌شود اگرچه دولت تحریم‌کننده با هدف ایجاد تغییر و ارتقای آن کشور، تحریم را بر دولت‌های هدف تحمیل می‌کند. در صورت استمرار تحریم‌های ضد سرمایه‌گذاری، ثروت و رفاه کاهش می‌یابد اما تحریم‌های گسترده ظرفیت اعمال زور را با تهدید بر تحریم‌های بیشتر از دست می‌دهد و به‌طور کلی تحریم‌های بخشی و جزئی اثرگذارتر خواهند بود؛ چراکه به دولت‌های هدف اجازه می‌دهند با تغییر رفتار همچنان وابسته روابط اقتصادی بمانند؛ بنابراین نسبت به تحریم‌ها آسیب‌پذیرترند و به‌علاوه تهدید به اعمال فشار برای برگرداندن تحریم ممکن است در برابر این دولت‌های هدف ضروری و مؤثر باشد (Unger, 2015: 29-30).

۳. انواع تحریم‌ها از حیث موجودیت تحمیل‌کننده

به‌طور کلی، تحریم‌ها امروزه در دو قالب «سازمانی» و «یک‌جانبه» تحمیل می‌شوند. منظور از قالب سازمانی این است که یک سازمان بین‌المللی، اعم از منطقه‌ای یا جهانی، تصمیم به وضع و اعمال تحریم‌ها می‌نماید. قالب یک‌جانبه یا دولتی عبارت است از اینکه یک کشور یا گروهی از کشورها خارج از سازمان بین‌المللی تحریم‌هایی را علیه یک یا چند کشور دیگر وضع و اعمال می‌نمایند. بر این اساس، دو دسته از تحریم‌هایی که علیه جمهوری اسلامی ایران توسط شورای امنیت و ایالات متحده آمریکا وضع و اعمال شده است، مورد بحث قرار می‌گیرند.

۳-۱. تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

در مورد تحریم‌های اعمالی از سوی شورای امنیت، مسلم است شورا در اعمال تحریم‌ها با محدودیت مواجه است که البته این محدودیت‌ها از مفاد منشور ملل متحد ناشی می‌شود. بند ۲ ماده ۲۴ منشور اختیارات گسترده شورا را در اتخاذ اقدامات اجرایی محدود می‌کند و بیان می‌دارد: «شورای امنیت در اجرای وظایف خود باید مطابق با اهداف و اصول ملل متحد اقدام نماید». فصل ۱ منشور به مقاصد و اهداف سازمان ملل پرداخته و

اولین هدف، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. برخی صاحب‌نظران این هدف را مقدم بر اهداف دیگر می‌دانند. به‌علاوه ماده ۱ از فصل ۱ منشور تصریح کرده است: «دستیابی به همکاری بین‌المللی در حل و فصل مشکلات بین‌المللی با ماهیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه و ترویج و ترغیب احترام به حقوق بشر» هدف سوم ملل متحد است؛ همچنین طبق ماده ۲۵ منشور: «اعضا موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت مطابق با منشور را پذیرفته و اجرا نمایند»؛ بنابراین روشن است که مطابقت تصمیمات شورای امنیت با منشور ملل متحد شرط پذیرش و اجرای آن تصمیمات توسط اعضای ملل متحد است و درنهایت تحت ماده ۵۵ منشور اذعان شده سازمان ملل باید «استانداردهای بالای زندگی، اشتغال کامل و شرایط توسعه اقتصادی و اجتماعی» را ارتقا دهد و به حقوق بشر احترام بگذارد (زمانی و دیگران، پیشین: ۱۰۰-۹۹).

با توجه به متن و روح منشور ملل متحد به‌مثابه قانون اساسی جامعه بین‌المللی روشن و مبرهن است که اختیارات شورای امنیت نباید و نمی‌تواند افسارگسیخته و مطابق امیال و منافع شخصی اعضای آن اعمال شود و تصمیمات و هنجارهای تحمیلی شورا باید در جهت اهداف سازمان ملل متحد و محدودیت‌های مصرح فوق‌الاشعار در متن منشور لحاظ و مراعات شود؛ در غیر این صورت نمی‌توان مصوبات شورا را مشروع و قانونی دانست و لذا اعضا الزامی در تبعیت از آن ندارند و همچنین همان‌گونه که در ادامه توضیح داده شده باید حین اعمال تحریم‌ها فی مابین حقوق بشر «قابل مصالحه» و «غیرقابل مصالحه» قائل به تفکیک شد و بر مبنای آن تصمیم اتخاذ کرد.

به استناد بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که شامل حقوق بشر غیرقابل عدول مانند حق حیات، منع شکنجه و برده‌داری است که حتی در مواقع اضطراری باید توسط دولت‌ها رعایت شوند. این حقوق اکنون از قواعد آمره بوده و شورای امنیت حتی در صورت عدم تصویب میثاق توسط برخی اعضای تواند آن را نادیده انگارد. حق حیات برابر ماده ۶ میثاق اخیرالذکر حق برتر و اساس تمام حقوق بشر محسوب می‌شود (Dewet, 2001:287).

۲-۳. تحریم‌های یک‌جانبه

هر تحریمی خارج از چارچوب یک سازمان بین‌المللی مثل سازمان ملل متحد، تحریم یک‌جانبه تلقی می‌شود و در قالب‌های مختلفی از جمله توسط یک کشور یا گروهی از کشورها خارج از یک سازمان بین‌المللی اعمال می‌شوند؛ به‌علاوه گاهی برای تضمین اجرای تحریم‌های اولیه تحریم‌های دیگری نیز وضع می‌شود که به تحریم‌های ثانویه شناخته می‌شوند. در این نوع تحریم‌ها قوانینی داخلی با اثر فرا سرزمینی وضع می‌شود و به این طریق برای اجرای آن توسط کشورها و کنشگران غیردولتی ضمانت اجرا پیش‌بینی می‌شود. برخی قائل به مغایرت کامل این نوع تحریم‌ها با حقوق بین‌الملل هستند و آن را چالشی بر نظم حقوقی بین‌المللی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منشور ملل متحد و اصول حاکم بر روابط مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها می‌دانند (زمانی و دیگران، پیشین: ۱۰۲-۱۰۱)؛ بر این اساس تحریم‌هایی که به شکل ثانویه و یا مغایر با موازین حقوق بشری یا یک تعهد از قبل موجودند، غیرقانونی و نامشروع محسوب می‌شوند؛ از سوی دیگر برخی دیگر از صاحب‌نظران بر طبق اصل حاکمیت کشورها معتقدند دولت‌ها صلاحیت دارند هر تصمیمی را مقتضی می‌دانند در مورد عملکرد و روابط خود با دیگر کشورها اتخاذ کنند و با توجه به این مکتب فکری که خود برخاسته از نگرش اثبات‌گرایانه در حقوق بین‌الملل است، خودداری یک کشور از تجارت با کشوری دیگر صرف‌نظر از انگیزه‌ها یا پیامدهای اقتصادی آن برای دیگر کشورها نمی‌تواند غیرقانونی باشد، چنانچه در بند ۳ ماده ۲ منشور این مطلب بدین صورت تأیید شده است که: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار دارد»؛ پس هر یک از دولت‌ها در جامعه جهانی صرف‌نظر از جایگاه و قدرت و تأثیرگذاری آن‌ها در جامعه بین‌المللی از لحاظ حقوقی دارای این صلاحیت می‌باشند که روابط خود را با دیگر کشورها بر اساس صلاحیت خود تنظیم نمایند و نباید در این زمینه خرده‌ای بر کشورها گرفته شود (کوشا، ۱۳۹۳: ۴). در مقابل، مخالفان این تئوری با استفاده از همین اصل به رد این نظریه می‌پردازند؛ اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل مظهر دکترین قانون اساسی راجع به حقوق ملت‌ها

است که اصولاً حاکم بر یک جامعه متشکل از دولت‌ها با هویت واحد می‌باشد (Brownlie, 1990:187)؛ بنابراین سایر دولت‌ها نباید اختیارات خود را به‌منظور تضعیف این حقوق اعمال کنند. منظور از تساوی دولت‌ها به‌عنوان یک اصل مسلم نظام اقتصادی آزاد، تساوی در حقوق و تعهدات است. تساوی دولت‌ها نتیجه طبیعی همزیستی دولت‌های حاکم است. به همین منظور بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد اصل تساوی کشورهای عضو را در راستای پایداری نظم نوین جهانی و به‌عنوان اساس همبستگی ملل متحد، صریحاً پیش‌بینی کرده است (فلسفی، پیشین: ۱۳۴). مضاف اینکه این صاحب‌نظران با استناد به اصل عدم مداخله، تحریم یک‌جانبه را به سبب مغایرت با اصل مذکور غیرقانونی و غیرمشروع می‌دانند؛ چراکه به‌موجب این اصل هر دولت یا گروهی از دولت‌ها از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولت‌های دیگر منع شده‌اند. این اصل در کنفرانس بوینس آیرس مورد اجماع بین‌المللی قرار گرفته و همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه این اصل را مورد تأیید قرار داده است. این در معاهدات دیگر از جمله ماده ۱۵ منشور سازمان کشورهای آمریکایی، ماده ۸ منشور اتحادیه عرب، ماده ۳ منشور سازمان وحدت آفریقا و... تصریح گردیده است (کوشا، پیشین: ۵).

با عنایت به اینکه اصول بنیادینی بر روابط بین‌الملل حاکم بوده و آن را قاعده‌مند می‌کند در منشور ملل متحد و اعلامیه ۱۹۷۰ روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها تصریح شده‌اند. این اصول (که پیش‌تر نیز برخی از آنان مورد اشاره قرار گرفت) شامل برابری حاکمیت دولت‌ها، عدم به‌کارگیری زور، تعیین سرنوشت مردم، عدم مداخله در امور داخلی و خارجی دولت‌ها، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، همکاری میان دولت‌ها و انجام با حسن‌نیت تکالیف پذیرفته‌شده تحت حقوق بین‌الملل هستند. تحریم‌های یک‌جانبه بی‌شک اصول اساسی منشور ملل متحد به‌ویژه اصول برابری حاکمیت و تمامیت سرزمینی، اصل عدم مداخله و اصل همکاری را نقض می‌کنند (زمانی و دیگران، پیشین: ۱۰۸). به‌عنوان یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت هرچند تحریم‌ها به‌خودی‌خود ممکن است غیرقانونی نباشند اما در مواردی و تحت شرایطی از جمله مغایرت با یک تعهد بین‌المللی و مغایرت با موازین

حقوق بشری ممکن است غیرقانونی و نامشروع باشند. در ادامه به طور مشخص به ارزیابی این نکته پرداخته خواهد شد که آیا تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در حوزه صنعت هوانوردی کشورمان از مشروعیت و قانونی بودن برخوردار است؟

۴. تحریم‌های هوانوردی

تحریم‌ها می‌توانند از سوی کشور یا کشورهای مختلف و در چارچوب یک سازمان بین‌المللی به صورت جداگانه یا هم‌زمان علیه کشور دیگری یا حتی علیه هر کنشگر دیگری - اعم از دولتی یا غیردولتی - اعمال شوند؛ همچنین این تحریم‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف زیست یک کشور تحمیل شوند. یکی از حوزه‌هایی که ایالات متحده آمریکا به طور جدی در کشورمان مورد تحریم قرار داده است صنعت هوانوردی است. صنعت هوانوردی در وهله اول با جابجایی ایمن، سریع و مطمئن مسافران سروکار دارد؛ اما در حقیقت نبود یک صنعت هوانوردی به‌روز، ایمن و کارآمد می‌تواند موجب نقض بسیاری از حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات بشود. در این قسمت به بررسی تحریم‌های هوانوردی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

تحریم هوانوردی در تعریفی ساده عبارت است از ممنوعیت هرگونه همکاری کشورها یا موجودیت‌های دیگر در توسعه، تعمیر و به‌روزرسانی صنعت هوانوردی یک کشور. این ممنوعیت می‌تواند شامل خرید هواپیمای نو، تجهیزات ضروری هوانوردی، به‌روزرسانی قطعات، ارائه خدمات و هر آنچه لازمه صنعت هوانوردی است بشود. تحریم هوانوردی و کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو در تضاد قطعی با یکدیگر هستند. ماده ۴ کنوانسیون با عنوان «سوءاستفاده از هواپیمایی کشوری (غیرنظامی)» تصریح می‌کند که «هیچ دولتی حق ندارد از هواپیمایی غیرنظامی برای اهدافی استفاده کند که با مقررات این کنوانسیون در مغایرت باشد» (Chicago Convention, 1994: Article 4)، به سادگی سخن آنکه هیچ دولتی حق ندارد از هواپیمایی غیرنظامی برای اهداف سیاسی و حل و فصل اختلافات سیاسی استفاده کند؛ به عبارت دقیق‌تر هیچ دولتی نمی‌تواند برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود هوانوردی کشوری را مورد تحریم و فشار قرار دهد. همچنین ماده ۴۴ از فصل هفتم کنوانسیون شیکاگو که با عنوان «مقاصد» آغاز می‌شود در تمامی بندهای نه‌گانه خود، کشورهای متعهد

را مکلف می‌کند که تمام تلاش خود را به‌کار گیرند تا به ارتقای سطح ایمنی در حمل‌ونقل هوایی غیرنظامی اهتمام و از هر نوع عملی که مغایر آن است دوری گزینند (Chicago Convention 1944, Article 44). ضمیمه شماره ۱۹ کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، تحت عنوان «سامانه مدیریت ایمنی» شامل برنامه جهانی ایمنی هوانوردی و آموزش‌های مدیریت ایمنی سازمان ایکائو است که دولت‌های عضو را مسئول ارتقا و تأمین ایمنی می‌داند؛ به‌گونه‌ای که دولت‌ها برای دستیابی به سطح ایمنی قابل قبول ناگزیر به تأسیس «برنامه دولتی ایمنی» و پیاده‌سازی «سامانه مدیریت ایمنی» هستند. بر اساس ضمیمه اخیرالذکر و سند شماره ۹۸۵۹ و سایر اسناد بالادستی ایکائو که جنبه الزام‌آور برای دولت‌ها دارد اشعار می‌دارند که برنامه‌های ایمنی دولتی دارای چهار عنصر است: ۱. هدف‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌ها؛ ۲. مدیریت ریسک ایمنی؛ ۳. تضمین ایمنی؛ ۴. ارتقای ایمنی که هر چهار مکانیسم مذکور توسط دولت‌ها باید انجام پذیرد؛ بنابراین به‌وضوح آشکار است بر اساس کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴ و سایر اسناد الزام‌آور الحاقی به آن مسلماً تحریم هوانوردی مغایر با حقوق بین‌الملل است؛ چراکه ایالات متحده آمریکا که جزء ۵۳ کشور امضاکننده کنوانسیون شیکاگو در سال ۱۹۴۴ بوده است به دنبال اهداف سیاسی خویش، تعهدات حقوقی خود را زیر پا گذاشته است؛ همچنین «تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا علیه ایران با هدف تغییر رفتار ایران اعلام گردیده است که به‌طور مشخص بر اقتصاد ایران و برخی تصمیمات اصلی استراتژیک آن اثرگذار است». (Congressional Research, Service: 2)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق بر مبنای نتایج از نوع کاربردی است به این دلیل که یافته‌های آن در عمل می‌تواند برای تصمیم‌سازی توسط کنشگران این حوزه در سطح داخلی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. از حیث هدف، این تحقیق توصیفی - تحلیلی است چراکه در آن اسناد بین‌المللی، رویه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین رویه نهادهای بین‌المللی توصیف و تحلیل شده است. از حیث داده‌ها از نوع کیفی است. جامعه آماری آن مشتمل بر مجموعه اسناد، قواعد و مقرراتی است که با استفاده از اسناد در دسترس فراهم شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اصول حاکم بر اعمال تحریم‌ها

حریم از حیث واضح و تحمیل‌کننده به دو صورت رایج در عرصه بین‌المللی اعمال می‌شود: صورت نخست از سوی یک سازمان بین‌المللی یا در چارچوب یک سازمان بین‌المللی همچون شورای امنیت سازمان ملل متحد وفق فصل هفتم منشور ملل متحد مبتنی بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و صورت دیگر آن تحریم‌های یک‌جانبه یک یا چند دولت علیه دولت دیگر است. تحریم‌های اعمالی شورای امنیت به‌طور سنتی علیه دولت اعمال می‌شود و هدف از اقدامات قهری غیرنظامی فصل هفتم اعمال فشار بر دولت هدف از طریق محروم کردن آن از برخی امتیازات و منزوی ساختن آن به لحاظ سیاسی و یا اقتصادی در جامعه بین‌المللی به‌منظور وادار کردن آن به گردن نهادن به خواست‌های شورای امنیت است. ایجاد محرومیت و انزوا متوجه دولت با تمام عناصر سازنده آن یعنی سرزمین، جمعیت و حکومت می‌شود. ظاهراً با این نگرش هیچ راه چاره‌ای برای کاهش رنج و آلام مردمی که بدون تردید از اعمال تحریم‌ها آسیب خواهند دید ارائه نکرده است. آثار ویرانگر تحریم‌های اقتصادی بر مردم کشور هدف را نمی‌توان آثار ناخواسته و غیرعمدی دانست و نمی‌توان مدعی شد که کشور تحریم‌کننده از این آثار سوء بی‌اطلاع است؛ بنابراین هر نهادی اعم از کشور یا سازمان بین‌المللی که به تحمیل و اعمال تحریم‌ها مبادرت می‌نماید باید بتواند بین اقدامات تضمینی جهت اجرای حقوق بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر سازش برقرار نماید (ممتاز، ۱۳۸۷: ۳۴۳)؛ بنابراین تحریم‌ها صرف نظر از اینکه چه موجودیتی و در چه حوزه‌ای، آن‌ها را وضع و اعمال می‌کنند مطابق رویه تابع اصولی هستند. مقتضای حاکمیت قانون نیز این است که تحریم‌ها علی‌القاعده باید تابع شاخص‌ها و اصولی باشند؛ به عبارت دقیق‌تر تحریم‌ها را باید به‌عنوان مجازات موجودیتی بدانیم که تعهدات بین‌المللی خود به‌موجب حقوق بین‌المللی را نقض کرده است. بر این اساس اگر قرار باشد خود تحریم‌ها نیز ناقض تعهدات ناشی از حقوق بین‌المللی باشند نقض غرض بوده و خود نیز فاقد مشروعیتند؛ برای مثال اگر کشوری به این دلیل تحریم می‌شود که

تعهدات خود در حوزه حقوق بشر را نقض کرده است و درعین حال خود تحریم نیز نقض حقوق بشر باشد پس چگونه تحریم می‌تواند تضمین اجرای حقوق بشر و حمایتگر آن باشد. به همین دلیل است که وضع و اعمال تحریم‌ها نیز باید تابع اصول و معیارهایی باشند، صرف نظر از اینکه شورای امنیت اعمال می‌کند یا یک دولت به‌طور یک‌جانبه. در ادامه برخی از این اصول مهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱. اصل انسانی بودن تحریم‌های اقتصادی

یکی از تحولات مهم معاصر در حوزه حقوق بین‌الملل، انسانی شدن آن است. منظور از انسانی شدن این است که این حقوق در خدمت بشریت و انسان باشد؛ به عبارت واضح‌تر انسان باید خط قرمز این حقوق باشد. به همین منظور برخی از قواعد حقوق بشری ذیل عنوان قواعد آمره (Jus Cogens) توصیف شده‌اند. اثر مهم این وصف این است که در سطح بین‌المللی و در سطح ملی نمی‌توان تعهدی یا قاعده‌ای برخلاف این قواعد وضع نمود (کنوانسیون وین ۱۹۶۹، ماده ۵۳)؛ بنابراین نه شورای امنیت و نه یک کشور خاص نمی‌تواند هرچند با رعایت تمام مراحل و شرایط قانونی اقدامی انجام دهد که نقض این قواعد باشد. افزون بر آن به همین منظور و به منظور حفظ کرامت انسانی مفهوم دیگری در حقوق بین‌المللی شکل گرفته است که از آن به تعهد عام‌الشمول (Erga omnes) تعبیر می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت این اصل ریشه در حقوق بین‌الملل عام دارد و مفهوم کلی آن این است که همه اقدامات کشورها و دیگر موجودیت‌ها -در حوزه تقنینی، اجرایی و قضایی- منجر به حمایت از حقوق بشر و ترویج آن و در نهایت حفظ کرامت انسانی شود؛ لذا ایالات متحده آمریکا با هر هدفی که تحریم‌های مزبور را علیه جمهوری اسلامی ایران وضع و اعمال می‌کند باید مراقب باشد که تعهدات بین‌المللی وی به موجب حقوق بین‌المللی بشر، به‌ویژه در رابطه با حقوق بنیادین بشر خدشه‌دار نشود. این امر اخیراً نیز در دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه آمریکا با عنوان «موارد نقض ادعایی معاهده مودت» مورد تأیید قرار گرفته شده است.

۲. اصل ضرورت

در هر موردی که به یک مرجع عمومی اختیارات صلاحیدیدی و تشخیصی تفویض شده اصل ضرورت کاربرد دارد. در حقوق عمومی و حقوق بین‌المللی این اصل از جایگاه و کارکرد مهمی برخوردار است. چنین مرجعی باید احراز کند که اقداماتی را که می‌خواهد اعمال کند برای نیل به اهداف اساسی ضرورت دارد. نکته مهم این است که هم «اهداف» و هم «ضرورت» باید از قبل توسط قانون‌گذار مشخص شده باشند؛ با این حال اعمال اصل ضرورت نباید به تعهدات ناشی از قواعد آمره و حقوق بنیادین افراد لطمه بزند؛ برای نمونه اگرچه ممکن است کشوری با یک خطر شدید و قریب‌الوقوع مواجه شود و بتواند از تعهدات بین‌المللی خود تخلف کند اما نمی‌تواند - مثلاً - به نسل‌زدایی یا شکنجه اقدام نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری در دستور موقت خود در دعوی «موارد ادعایی نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵» بین ایران و آمریکا، ادعای دولت آمریکا مبنی بر ضرورت اتخاذ اقدامات برای حمایت از منافع اساسی‌اش را نپذیرفت و یادآور شد که «در خصوص حقوق ایران تا جایی که به واردات و خرید کالاهای لازم برای نیازهای انسان دوستانه از قبیل [...] (سوم) قطعات یدکی، تجهیزات و خدمات مرتبط که برای هواپیمایی کشوری ضرورت دارند» ادعای ایران مورد پذیرش قرار می‌گیرد (Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Para. 75)؛ بنابراین حتی اگر دولت آمریکا این حق معاهده‌ای را در تشخیص اقدامات ضروری برای حمایت از منافع اساسی خود داشته باشد لیکن این اقدامات نباید به نیازهای انسان دوستانه لطمه بزنند؛ به عبارت دیگر حتی اگر اعمال تحریم‌ها برای حمایت از منافع اساسی یک کشور ضرورت داشته باشند این تحریم‌ها نباید به حقوق بنیادین و نیازهای انسان دوستانه خدشه وارد کنند.

۳. اصل تناسب

میزان هر محدودیتی باید دقیقاً با ضرورت تناسب داشته باشد و یا متناسب با منفعت بالاتری باشد که به وسیله آن محدودیت مورد حمایت قرار گیرد. ذکر این نکته لازم است که اصل تناسب صرفاً در رابطه با اقدامات مشروع و ضروری قابل استناد است؛ بنابراین

در صورتی که اقدامی با رعایت اصول انسانیت ضروری تشخیص داده شد باید واجد شرط تناسب نیز باشد. در رابطه با تحریم‌ها نیز، اصل تناسب اقتضا می‌کند که تحریم‌ها متضمن واکنشی مناسب در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشد. تناسب هرگز به معنای تشابه و تساوی نیست زیرا در این صورت برای نمونه نقض شدید حقوق بشر در طول اعمال تحریم اقتصادی به منظور مقابله با نقض شدید حقوق بشر در یک کشور مجاز خواهد بود که این خود نیز امری غیرمنطقی است؛ همچنین لازم به ذکر است که طولانی شدن تحریم اقتصادی در شرایطی ممکن است معیار تناسب را دچار تغییر کند (فشندی و قادری، ۱۳۹۶: ۱۴۲)؛ بنابراین تناسب اقدامات تحریمی با نفع حاصل از اتخاذ این اقدامات امری ضروری است.

تأثیر تحریم‌های هوانوردی بر مؤلفه‌های حقوق بشری

بررسی تجربه‌های کشورهای مختلفی که قربانی تحریم‌ها بودند یا هستند بیانگر این است که تحریم‌ها در حوزه هوانوردی می‌تواند بر حق حیات، حق بر سلامتی، حق بر جابجایی یا مسافرت ایمن و امثال آن داشته باشند.

۱. تأثیر تحریم‌های هوانوردی بر حق حیات

به‌طور مسلم بنیادین‌ترین حق بشری که هر فرد انسانی از آن برخوردار است حق حیات است. این حق می‌تواند به روش‌های مختلفی نقض شود. تحریم در حوزه‌های مختلف از جمله دارو و درمان و حوزه هوانوردی می‌تواند بر حق حیات تأثیر منفی داشته باشد و گاه حتی می‌تواند به شدیدترین شکل نقض این حق بنیادین باشد. تحریم می‌تواند گاهی به‌طور مستقیم و بدون واسطه و گاه با واسطه بر تحقق و اجرای یک حق تأثیر منفی داشته باشد؛ همچنین تحریم‌ها آثار خطرآفرینی را نیز ایجاد می‌کنند که در ظاهر تحمیل‌کنندگان تحریم‌ها با علم و اطلاع دقیق نسبت به این آثار مرگبار نسبت به وضع و یا تشدید و اجرای آن‌ها اقدام می‌کنند. از جمله در گزارش کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۲ به اثر تحریم‌ها بر وضعیت انسانی ایران اشاره شده است. این گزارش نتیجه تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بر صنعت هوانوردی جمهوری اسلامی ایران را از سال ۱۹۹۵، کشته شدن ۱۷۰۰ مسافر و همچنین کاهش سفرهای هوایی در ایران ذکر می‌کند (Katz man, 2016: 58). بدون

تردید ایالات متحده آمریکا «با جلوگیری از خطوط هوایی ایران از نوسازی تجهیزات قدیمی، خرید قطعات یدکی و دیگر تجهیزات و خدمات لازم، آموزش خلبان‌ها با معیارهای بین‌المللی یا استفاده از خدمات هواپیمایی خارجی، جان مسافران و خدمه ایرانی و دیگر مشتریان خطوط هوایی ایرانی در معرض خطر هستند». (Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Para.81) بر این اساس می‌توان گفت بنا بر گزارش و بررسی‌های خود دولت آمریکا تحریم‌های حوزه هوانوردی به‌طور مستقیم سبب نقض حق حیات افراد انسانی شده است؛ همچنین گزارش مزبور بر این نکته تأکید می‌کند که چنین آثاری از حیث ایجاد جو روانی علیه ایران مدنظر بوده است (Katz man, op.cit.). ملاحظه می‌شود که طراحان، تحمیل‌کنندگان و مجریان این تحریم‌ها نسبت به اثر سوء این تحریم‌ها بر نقض فاحش حق حیات بی‌اطلاع نبودند؛ به عبارت دقیق‌تر از رابطه سببیت میان این تحریم و نقض حق حیات کاملاً آگاه بودند. در عین آگاهی از این تأثیر سوء عامدانه به دنبال دستیابی به اهداف و منافع سیاسی خود بودند. از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری «اقدامات ایالات متحده آمریکا از پتانسیل به خطر انداختن ایمنی هوانوردی کشوری (غیرنظامی) و جان مسافران و حیات کاربران حوزه هوانوردی در ایران برخوردار است؛ البته تا حدی که این اقدامات، خطوط هوایی ایران را از تحصیل قطعات یدکی و دیگر تجهیزات لازم و همچنین دسترسی به خدمات مربوطه که برای هواپیمایی کشوری ضروری می‌باشند باز می‌دارد» (Violations of the 1955 Treaty of Amity, Para. 9, Alleged)؛ بنابراین این اقدام دولت آمریکا در طراحی، تحمیل و اجرای تحریم‌ها در حوزه هوانوردی کشوری نقض شدید و فاحش و جدی حق حیات افراد انسانی در ایران است؛ از همین روست که دیوان در دستور موقت خود بیان می‌دارد که آمریکا باید با توجه به ابزارهایی که در اختیار دارد هرگونه موانع ناشی از اقداماتی را که در ۸ می ۲۰۱۸ برای آزادی صادرات کالاهای موردنیاز برای نیازهای انسان‌دوستانه از جمله قطعات و تجهیزات و خدمات هواپیمایی به ایران را بردارد و بدین منظور باید تضمین دهد که مجوزها و پروانه‌های لازم اعطا می‌شوند

و پرداخت‌ها و دیگر نقل و انتقال وجوهات تا جایی که از جمله به خدمات و تجهیزات و قطعات هواپیمایی می‌شوند با هیچ محدودیتی مواجه نشوند (Ibid, Para: 98).

۲. تأثیر تحریم‌های هوانوردی بر حق توسعه

حق توسعه از اصلی‌ترین و محوری‌ترین موضوعات اسناد نسل سوم حقوق بشر است. حق مزبور در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و همچنین در اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) با اجماع پذیرفته شده است و هم‌اکنون از موضوعات حقوق بین‌الملل عام قلمداد می‌شود (غمامی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). نخستین بار، مفهوم «حق توسعه» در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. در سال ۱۹۸۱ گروه کاری سازمان ملل متقاعد شد که مباحث مربوط به حق توسعه باید سازمانی و نظام‌مند شوند و از این رو باید یک گروه کاری جدید از کارشناسان دولت‌ها در ارتباط با حق توسعه به وجود آید. پنج سال پس از تشکیل این گروه جدید سازمان ملل اعلامیه‌ای در مورد حق توسعه تصویب کرد و به کمیسیون مزبور مأموریت داد تا راه‌های عملی کردن قطعنامه را دنبال کند. در سال ۱۹۹۳ کمیسیون حقوق بشر یک گروه کاری دیگری تعیین کرد تا مفهوم «توسعه» را مشخص و راه‌های ایجاد آن را پیشنهاد کنند. آن گروه تا تاریخ جولای ۱۹۹۵ هیچ پیشرفت مهمی به دست نیاورد (Steiner, Alston and Goodman, 2008:1118). بنا بر تحقیقات انجام‌شده می‌توان گفت تمام اسناد حقوق بشری، توسعه را مدنظر قرار داده‌اند. در این اسناد توسعه به مثابه یک «حق» تلقی شده است؛ همچنین در این اسناد توسعه در تمام ابعاد مدنظر بوده است؛ هرچند بعد اقتصادی و اجتماعی آن بیشتر مورد تأکید است. در نهایت، کشورها برای تأمین چنین توسعه‌ای طرف «حق» یا متحمل تکلیف شده‌اند (راعی، ۱۳۸۰: ۲۷)؛ بنابراین توسعه به مثابه یک حق است. بر این اساس وقتی توسعه را به‌عنوان یک حق تلقی می‌کنیم دو مطلب باید مدنظر قرار گیرد؛ نخست مقتضای حق بودن توسعه این است که دیگران مانع‌ساز نباشند؛ بنابراین اگر کشورهای در حال توسعه از حق توسعه‌یافتگی برخوردارند، سایر کشورها وظیفه دارند در راه توسعه آنان، مانع ایجاد نکنند؛ در نتیجه ایجاد تحریم‌های مربوط به صنعت هوانوردی می‌تواند مانع عمده و

بزرگی برای تحقق حق توسعه باشد. بدیهی است که بسیاری از تحولات اقتصادی و حتی اجتماعی می‌توانند وابسته و منوط به توسعه صنعت هوانوردی باشد؛ دوم «حق بودن» توسعه علاوه بر موضوع مزبور؛ همچنین مستلزم آن است که کشورهای توسعه‌یافته باید از درآمد خود بخشی را برای توسعه کشورهای درحال توسعه اختصاص دهند؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که تلقی توسعه به مثابه حق، دست‌کم دو تعهد «حداقلی» و «حداکثری» یا دو تعهد «سلبی» و «ایجابی» برای کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته ایجاد می‌کند؛ نخست تعهد به عدم مانع‌سازی برای تحقق توسعه؛ این حداقل تعهدی است که از کشورهای توسعه‌یافته انتظار می‌رود؛ بنابراین بدیهی است که تحریم‌ها در صنعت هوانوردی کشوری نقض بارز و آشکار این تعهد حداقلی است؛ دوم تعهد به کمک و مشارکت در توسعه کشورهای درحال توسعه؛ این یک تعهد حداکثری و یا تعهد ایجابی است. اگرچه کشورهای توسعه‌یافته کمتر زیر بار این تعهد می‌روند لیکن دست‌کم مکلفند که هم از باب اقتضائات حق بودن توسعه و هم از باب عدم مداخله و هم احترام به اصل حسن نیت مانع تحقق حق توسعه نشوند.

۳. تأثیر تحریم‌های هوانوردی بر حق سلامتی

در این قسمت دو پرسش مهم نیاز به بررسی دارد؛ نخست آنکه سلامتی و به‌ویژه سلامت روانی چیست؟ تأکید بر بعد روانی سلامت در اینجا به خاطر این است که نقص و عیب در صنعت هوانوردی لزوماً سلامت جسمانی را تهدید نمی‌کند بلکه مهم‌تر از آن سلامت روانی را نیز دچار تهدید و خدشه می‌سازد؛ لذا بررسی این پرسش حائز اهمیت است؛ دوم آنکه چگونه تحریم‌های تحمیل‌شده علیه صنعت هوانوردی می‌تواند حق بر سلامتی افراد را نقض کند؟

در اسناد بین‌المللی عموماً از سلامتی جسمانی و روانی و گاهی نیز سلامتی معنوی و اجتماعی صحبت شده است. شاید در خصوص سلامت جسمانی تا حدودی توافق نظر وجود داشته باشد؛ اما واقعاً این پرسش که «سلامت روانی چیست؟» سؤال ساده‌ای نیست. در این مورد نیز اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد. در خصوص پرسش نخست باید گفت

معیار واحد و مشخصی در مورد تعیین سلامت روانی وجود ندارد. از نظر برخی از نویسندگان در صورتی فرد، از نظر روانی سالم است که کارکرد و رفتار منطقی خوبی داشته باشد. برخی نیز بر این باورند که از حیث روانی فرد سالم کسی است که رفتار او همانند اکثر همگنان خود باشد (اس. ربر، ۱۳۹۰: ۵۴۴)؛ بنابراین می‌توان گفت سلامت روانی یعنی اینکه فرد بتواند همانند دیگر افراد جامعه به طرز معقولی رفتار کند. برای اینکه افراد از چنین سلامتی برخوردار باشند لازم است تا مجموعه‌ای از شرایط نیز وجود داشته باشند.

به تعبیر یکی از پژوهشگران «حوزه‌های بسیار متنوعی در تحقق و تداوم این وضعیت و توانایی از یک سو و متأثر ساختن و تهدید آن از سوی دیگر دخیلند؛ اولاً این وضعیت انسانی وابسته به پیش‌شرط‌هایی برای حفظ و تداوم است. محیط‌زیست سالم، آب سالم آشامیدنی، تغذیه سالم، شرایط سالم کاری و حرفه‌ای، نظافت و بهداشت، با حق‌های بشری دیگری ارتباط پیدا می‌کند؛ همچون حق حیات، حق بر غذا، مسکن و پوشاک، حق آزادی بیان و دسترسی آزاد به اطلاعات، حق بر شغل و حق بر آموزش و پرورش؛ ثانیاً سلامتی وضعیتی بسیار شکننده و لرزان است که همواره در معرض تهدید و آسیب است. این مسئله خود مستلزم جلوگیری یا کاستن از عوامل تهدیدکننده مثل آلودگی زیست‌محیطی است؛ از سوی دیگر نیاز به بازگرداندن سلامتی پس از ابتلا به عوامل تهدیدکننده، وجود امکانات و مراقبت‌های پزشکی را ضروری می‌سازد؛ بنابراین تعریف حق بر سلامتی به گونه‌ای که از حق‌های هم‌جوار و مرتبط متمایز گردد و حوزه‌هایی را که مستقیماً به سلامتی مربوط می‌شود در برگیرد مشکل‌تر خواهد بود» (آل کجاف، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

حقوق بین‌المللی بشر در راستای تحقق این حق تعهداتی را بر عهده دولت‌ها گذاشته است که نقض آن‌ها می‌تواند حق بر سلامتی افراد را نقض نماید (همان، ۱۶۶-۱۵۹)؛ بنابراین می‌توان گفت «سلامت» اعم از جسمانی و روانی یکی از شاخصه‌های کرامت انسانی است؛ به همین دلیل حق بر سلامتی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در نظام حقوق بین‌المللی بشر مورد پذیرش قرار گرفته است. در این خصوص همانند هر حق بشری دیگری هر دولتی سه تعهد را در قبال سلامت افراد به عهده دارد؛ تعهد به احترام، تعهد به

حمایت و تعهد به ایفا؛ بنابراین هر اقدامی از سوی هر دولتی که نقض هر یک از این تعهدات در قبال حق بر سلامتی باشد می‌تواند نقض حق بر سلامتی باشد؛ در حقیقت لطمه به حق بر سلامتی می‌تواند حق حیات را نیز به خطر اندازد. تردیدی نیست که تحریم‌ها در صنعت هوانوردی هم می‌تواند به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم سلامت جسمانی و روانی افراد جامعه را تهدید و نقض کند.

تأثیر تحریم‌ها بر جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه غرب آسیا

سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه گسترده‌ای از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به‌عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۴).

«از مهم‌ترین ویژگی‌های این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است، گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی» (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۲) از حیث جغرافیایی و فرهنگی، ایران قلب غرب آسیا است. پیشینه فرهنگی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه و هویت مذهبی آن و همچنین قابلیت‌های اقتصادی و اجرایی ایران سبب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب جهان از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های بزرگ دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان‌قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در دیدگاه ناظران خارجی افزوده است. به خاطر همین نقش در تعاملات دولت‌ها، مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان (چه از طریق زمینی، دریایی و در دوران معاصر هوایی) به‌طور اجتناب‌ناپذیر از داخل و فراز این سرزمین عبور می‌کرده است.

جاده ابریشم و تجارت ادویه و دیگر اقلام و کالاهایی که موردنیاز شرق و غرب جهان کهن بوده که چین و شبه‌قاره هند را به اروپا وصل می‌نمود از گذشته‌های دور نقش

برجسته‌ای به این سرزمین داده است. امروزه با گسترش روزافزون صنعت هوانوردی و نیز مبادلات هوایی و اهمیت «عبور پروازها از فراز آسمان ایران» به‌عنوان مسیر هوایی مستقیم و کوتاه‌ترین راه هوایی میان‌قاره‌ای، نه‌تنها نقش ژئوپلیتیک ایران کاهش نیافته بلکه بیشتر نیز شده است (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۵)؛ از این رو «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پراهمیت که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی اقتصادی حوزه‌های وسیعی هم چون آسیای مرکزی، شبه‌قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است» (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۴).

بدون تردید ایران در مرکز چهارراه هوایی دنیا واقع شده است و همین امر باعث می‌شود تا در ژئوپلیتیک غرب آسیا نقش مهم و تأثیرگذاری داشته باشد. این موقعیت جغرافیایی فرصت و ویژه‌ای را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد تا بتواند از این طریق در دستیابی به اهداف اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک استفاده کند. در این بین تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران موجب شده است که نتواند از این فرصت و موقعیت به نحو مطلوب بهره‌برد و علیرغم آنکه ایران در عداد کشورهای پیشرو این صنعت در دنیا بوده لیکن به دلیل عدم حضور فعال در این موقعیت «کشورهای دیگری همچون ترکیه و امارات متحده عربی به دلیل استفاده نکردن ما از این موقعیت، به هاب (کانون هوانوردی) منطقه [غرب آسیا] تبدیل شده‌اند»^۱.

نکته پراهمیت آنکه تحریم‌ها صرفاً موجب خسارت برای ایران نشده است بلکه خطوط هوایی متعددی از کشورهای دنیا را متأثر از این موضوع کرده است. موقعیت خاص ژئوپلیتیک ایران شرکت‌های هواپیمایی با تابعیت‌های گوناگون را بر آن داشته بود تا با بهره‌گیری از فرصت‌های موجود ایران بهترین مسیر هوایی و فرودگاه‌های احتیاطی در مسیر را برای خود تعبیه کنند؛ اما پس از تحریم‌های اقتصادی و هوانوردی ایالات متحده علیه ایران، بعضاً آن‌ها مجبور به جایگزین کردن مسیرهایی شدند که نه‌تنها ایران را از

۱. اظهارات مشاور اجرایی مدیرعامل شهر فرودگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵/۶/۲۷، کد خبر ۱۴۶۱۰۹ قابل دسترسی در:

برخورداری توان مطلوب برای تجهیز و توسعه زیرساخت هوانوردی خویش محروم می‌سازد بلکه خطوط هواپیمایی مزبور را متحمل خسارتی می‌سازد که بعضاً به راحتی امکان جبران آن را ندارند؛ بنابراین این مسئله که تحریم‌ها چه تأثیری برای ایفای نقش صنعت هوانوردی در این منطقه دارند بسیار حائز اهمیت است.

عدم ارائه اسناد و مدارک هوانوردی مرتبط با نوع هواپیماها به ایران، جلوگیری از سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایرانی در برخی فرودگاه‌های دنیا، خودداری از فروش مستقیم هواپیما و قطعات آن به ایران، جلوگیری از ارائه خدمات به هواپیماهای ایرانی و همچنین جلوگیری از تأمین تجهیزات کمک ناوبری فرودگاه‌های ایران بخشی از تحریم‌هایی است که علیه صنعت هوانوردی ایران وضع شده است؛ این تحریم‌ها بدون تردید، منجر به کاهش خدمات تجاری و بازرگانی، افزایش عمر ناوگان هوایی کشور و عدم رقابت ایران با کشورهای منطقه در این بخش شدند و به همین دلیل می‌توان گفت بر ایفای نقش ایران در بستر ژئوپلیتیک غرب آسیا بسیار مؤثر بوده است؛ در نتیجه اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا باعث شده است تا از یک طرف ایران نتواند هواپیمای نو خریداری کند و عمدتاً به خرید هواپیماهای دست دوم بسنده کند و از هواپیماهایی استفاده می‌شود که بیش از ۲۰۰۰۰ ساعت پرواز کردند در حالی که استاندارد استفاده از یک هواپیما ۵۰۰۰۰ ساعت است (ضرابی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۷)؛ در نتیجه استقبال کمتری در میان مسافران برای پرواز با چنین هواپیماهایی دیده می‌شود و از سوی دیگر اعمال تحریم‌ها، جمهوری اسلامی ایران را در تجهیز و توسعه زیرساخت‌های هوانوردی خود به شدت متأثر می‌سازد؛ لذا شرایط جاری در غرب آسیا (خاورمیانه) ناشی از وجود تحریم‌های هوانوردی آمریکا به وضوح رقابتی منطقه‌ای را در کاهش نقش ژئوپولوتیکی ایران یاری می‌رساند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف اصلی این پژوهش ارزیابی مشروعیت تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه هوانوردی از منظر حقوق بین‌الملل بشر است. حقوق بین‌المللی دیگر تنها به دنبال تنظیم روابط میان کنشگران بین‌المللی نیست بلکه حمایت از حقوق بشر افراد را در سرلوحه کار خود قرار داده است و به همین خاطر در دوران معاصر وارد در مرحله جدیدی شده است که از آن به «انسانی شدن حقوق بین‌المللی» تعبیر می‌شود. در این مرحله حقوق مزبور توجه عمده‌ای به حقوق بشر کرده و در تلاش بوده است تا با وضع معیارهای لازم نظم حقوقی را ایجاد نماید تا کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و حتی کنشگران غیردولتی در انجام رفتار و در تعقیب مقاصد خویش حقوق بنیادین بشر را خط قرمزی بدانند که تخطی از آن پذیرفتنی نیست. از جمله این حقوق می‌توان به «حق حیات»، «حق توسعه»، «حق بر سلامتی» و «حق بر تعیین سرنوشت» اشاره کرد؛ همچنین در حقوق بین‌المللی اصول حاکمیت محوری نیز وجود دارد از جمله «برابری کشورها» و «عدم مداخله در امور کشورهای دیگر».

بر اساس اصول مزبور هر کشوری حق دارد تا به‌طور آزادانه در مورد امور داخلی و خارجی خود تصمیم‌گیری کند؛ از جمله اینکه حق دارد تا مشخص کند با چه کشور یا موجودیت دیگری می‌خواهد رابطه (در حوزه‌های مختلف) داشته باشد؛ با این حال این دو مقوله را نمی‌توان دو حوزه جدا از هم تلقی کرد؛ در حقیقت تصمیم‌گیری در هر یک از این دو حوزه بر دیگری تأثیرگذار است؛ به‌علاوه به‌عنوان نکته مهم‌تر برابری کشورها و یا عدم مداخله، تابع انسانی شدن حقوق بین‌الملل است. به عبارت روشن‌تر برابری کشورها نمی‌تواند دلیلی برای لطمه زدن به حقوق بنیادین بشر بشود. درست است که در پرتو اصل برابری ممکن است یک کشور این حق را داشته باشد تا روابط اقتصادی، تجاری و سیاسی خود را با کشور دیگری قطع کند لیکن این در حالی است که دیگر موازین و مؤلفه‌های اساسی حقوق بین‌الملل و زیست بین‌المللی خدشه‌دار نشوند؛ برای نمونه تصمیم ایالات متحده آمریکا مبنی بر تحمیل و اعمال تحریم‌ها در صنعت هوانوردی جمهوری اسلامی

ایران شاید در پرتو اصل برابری کشورها- به تنهایی- قابل توجیه و اصلاً حق این کشور محسوب شود؛ اما واقعیت مهم این است که دیگر حقوق بین‌الملل مجموعه اصول و قواعد جدای از هم نیست بلکه به‌عنوان یک شبکه مبتنی بر اصول و قواعد به هم وابسته است و چه‌بسا که گاهی خط قرمزهایی با عنوان «قاعده آمره» وجود دارد که هر کشور در پذیرش تعهدات خود و همچنین وضع مقررات داخلی باید تابع این قواعد باشد. بر این اساس تحریم‌های آمریکا در حوزه هوانوردی در بخش عمده‌ای نقض آشکار «حق حیات»، «حق توسعه» و «حق بر سلامتی» افراد انسانی است و از این‌رو غیرقانونی و نامشروعند. افزون بر آن با مؤلفه‌های ضرورت، تناسب و قانونی بودن نیز همخوانی ندارند؛ افزون بر آن تحریم‌های مورد بحث تأثیر منفی بر ژئوپلیتیک خاورمیانه نیز دارد. این امر می‌تواند منجر به کاهش پرواز هواپیماها، نوعی بی‌ثباتی و همچنین ایجاد تغییرات جدی از حیث ژئوپلیتیک بشود؛ به‌علاوه تحریم‌ها باعث شده است تا تحقق حق بر توسعه و همچنین بهره‌مندی از فرصت ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه با مشکل مواجه شود. انتظار می‌رود تا پژوهشگران بعدی تأثیر تحریم‌ها بر استفاده از ظرفیت‌های حاصل از موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای را مورد مطالعه تخصصی و عمیق‌تر قرار دهند تا ضمن شناسایی مشکلات و آسیب‌ها بتوانند راه‌حل‌های مناسب را پیشنهاد کنند. در پایان پیشنهادها زیر ارائه می‌شود.

پیشنهادها

در خاتمه مقاله پیشنهادهای نگارندگان مقاله در مورد راهکارهای مقابله با تحریم‌های هوانوردی و احقاق حقوق کشور در عرصه بین‌المللی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. طرح موضوع شکایت به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ): یکی از این

اقدامات طرح شکایت در دیوان بین‌المللی دادگستری با موضوع اعمال مجدد تحریم‌های اقتصادی توسط ایالات متحده طی تصمیم ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ (۸ می ۲۰۱۸) رئیس‌جمهور آمریکا و تشدید تحریم‌ها است که در حقیقت با تصمیم آمریکا مبنی بر خروج از برجام و اعلام بازگشت تحریم‌های خود به ایران، ایران شکایت خود از آمریکا را آغاز کرد. دولت جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان با ثبت این

شکایت از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد با توجه به آثار مخرب، زیان‌بار و جبران‌ناپذیر تصمیم ۸ می ۲۰۱۸ دولت آمریکا در اعمال و تشدید تحریم‌های یک‌جانبه که نقض صریح مفاد و ترتیبات عهدنامه ۱۹۵۵ به شمار می‌آیند قرار موقتی را در این رابطه صادر کند (منتظران، ۱۳۹۸: مقدمه).

۲. طرح موضوع شکایت در شورای امنیت سازمان ملل متحد: همان‌طور که می‌دانیم

مستند به ماده ۲۴ بند ۱ منشور ملل متحد یکی از نقش‌های اصلی شورای امنیت فیصله دادن به اختلافات بین‌المللی است؛ بدین معنا که شورای امنیت بر اساس فصل ششم منشور یعنی مواد ۳۳ تا ۳۸ منشور، توصیه بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی دارد. ایران می‌تواند به جرم نقض حق بر سلامت مردم ایران و جنایت علیه بشریت از ایالات متحده و همراهانش در تحریم ایران به شورای امنیت شکایت کند و شورای امنیت مکلف به بررسی و تلاش برای حل و فصل موضوع اختلافی است.

۳. طرح موضوع شکایت در شورای ایکائو (ICAO Council): از مهم‌ترین

فعالیت‌های ایکائو در راستای نیل به اهدافش، حل و فصل اختلافات هوایی است که رفع موانع هوانوردی بین‌المللی، نقض کنوانسیون و اختلاف کشورها در زمینه دیگر موافقت‌نامه‌ها را در برمی‌گیرد. طبق ماده ۵۴ کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، کشور از سازمان ایکائو می‌خواهد که موضوع اختلافی با کشوری (عضوی) دیگر از سازمان ایکائو در رابطه با صنعت هوانوردی در شورای ایکائو مطرح شود که طبق آیین‌نامه‌ای که وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین طبق ماده ۸۴ کنوانسیون؛ ایران باید به دلیل آنکه یک موضوع مورد اختلاف دو کشور است به شورای ایکائو شکایت کند و لایحه‌ای تحت عنوان شاکی ارائه دهد سپس طبق آیین‌نامه ۸۸ یک کار شبه‌قضایی اتفاق می‌افتد. طرف مقابل هم باید لایحه پاسخ این موضوع را به ایکائو بدهد و هر دو این لوایح به‌عنوان کار شبه‌قضایی در شورای ایکائو بررسی می‌شود و نتیجه‌ای که از آن صادر می‌شود

یک نتیجه قضایی است؛ لیکن در صورتی که هر طرف نسبت به آن اعتراض داشته باشند کنوانسیون استیناف در دادگاه بین‌المللی دادگستری را پیش‌بینی کرده است.

۴. شکایت به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد: با توجه به آثاری که تحریم‌های

هوانوردی آمریکا بر حقوق بشر گذاشته است و در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد بر اساس گزارش‌های نمایندگان و گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر هم به آن پرداخته شده است، مردم ایران به‌خصوص بازماندگان قربانیان سوانح هوایی که به دلایلی مانند نقص فنی هواپیما و فرسودگی ناوگان هوانوردی رخ داده است که در نتیجه مستقیم تحریم‌های اعمالی آمریکا امکان به‌روزرسانی و یا در بسیاری از موارد امکان نوسازی و تعمیر هواپیما مقدور و میسر نیست، می‌توانند به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به طرفیت ایالات متحده آمریکا که اعمال‌کننده تحریم‌های هوانوردی ضد حقوق بشری است شکایت و دادخواهی کنند.

۵. شکایت به کمیته حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد: به منظور تحقق

عملکرد نظارتی کمیته حقوق بشر، آن کمیته چهار مسئولیت عمده دارد: یکم- رسیدگی به گزارش دولت‌ها؛ دوم- ارائه تفاسیر عمومی درباره میثاق؛ سوم- رسیدگی به شکایت دولت‌های عضو علیه یکدیگر؛ چهارم- رسیدگی به شکایت افراد علیه دولت‌های عضو میثاق؛ بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود؛ وظیفه مهمی که میثاق به عهده کمیته حقوق بشر گذاشته رسیدگی به شکایت یک دولت عضو علیه عضو دیگر میثاق به دلیل عدم رعایت و اجرای مقررات میثاق است.

الف: پیگیری روند اجرای دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری؛

ب: ارجاع وضعیت به دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه دیوان؛

ج: طرح دعوا در محاکم داخلی (ایران و آمریکا).

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- اس. ربر، آرتور (۱۳۹۰)، *فرهنگ روان‌شناسی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: رشد.
- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، ج ۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- آقایی، مجید؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه؛ محمدرضایی، مجید (۱۳۹۷)، *بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری*، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۸، صص ۴۹ - ۶۸.
- آل کجباف، حسین، *مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر* (۱۳۹۲)، فصلنامه حقوق پزشکی، س ۷، ش ۲۴، صص ۱۳۹ - ۱۷۰.
- باقری، محسن؛ مهدوی، سهیلا؛ شریف‌نژاد، مریم (۱۳۹۳)، *بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد عوامل داخلی در صنایع کوچک و متوسط استان لرستان طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱*، مجله مدیریت بهره‌وری، ش ۲۹، تابستان، صص ۶۱ - ۸۱.
- بهروزی‌فر، مرتضی؛ کوکی سامیه (۱۳۸۵)، *تحریم‌های ایالات متحده: آزمودن آزموده*، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۳۱، صص ۱۲۶ - ۱۴۳.
- بیات، محسن (۱۳۹۵)، *جهانی شدن اقتصادی و نقش تهدید نظامی در راهبرد آمریکا برای کارآمدی تحریم ایران*، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار، صص ۴۳ - ۶۵.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، *مصونیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل*، مجموعه مقالات مصونیت در حقوق بین‌الملل؛ انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ج ۱، انتشارات گنج دانش، صص ۳۷ - ۵۸.
- توحیدی، احمدرضا (۱۳۹۳)، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، ج ۱، بنیاد حقوقی میزان.
- حدادی، مهدی (۱۳۸۲)، *تحریم‌های بین‌المللی، ابزار سیاست ملی یا ضمانت‌نامه اجرایی بین‌المللی*، مجله اندیشه‌های حقوقی، ش ۳، بهار و تابستان، صص ۱۰۹ - ۱۲۸.
- حیدری، غلامحسین، *تبیین الگوهای مدیریت سیاسی فضا* (۱۳۸۴)، فصلنامه ژئوپلیتیک، ش ۱، صص ۷۷ - ۹۶.

- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶)، ژئوپولیتیک خلیج فارس: ایران و آمریکا (تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی)، ره‌آورد سیاسی، ش ۱۵، صص ۳-۱۱.
- راعی، مسعود (۱۳۸۰)، جایگاه حق توسعه در حقوق بشر، معرفت، ش ۴۹، صص ۱۶-۲۹.
- زمانی، سید قاسم؛ غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۹۴)، واکاوی قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی به موجب حقوق بین‌الملل، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۲، زمستان، صص ۹۳-۱۲۹.
- ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال؛ سقایی، محسن (۱۳۸۸)، چالش‌های صنعت حمل‌ونقل هوایی ایران (مطالعه موردی ترافیک هوایی اصفهان)، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، س ۲۰، ش ۳۳، ۱ بهار، صص ۲۳-۴۲.
- ضیایی، بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، چ ۳۶، گنج دانش.
- غمامی، سید محمدمهدی (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، س ۲، ش ۴، تابستان، صص ۸۹-۱۰۷.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۰)، صلح جاویدان و حکومت قانون، چ ۱، انتشارات فرهنگ نشر نو.
- کلیار کلود، آلبر (۱۳۸۶)، نهادهای روابط بین‌الملل، هدایت‌الله فلسفی، چ ۱، نو.
- کوشا، سهیلا (۱۳۹۳)، بررسی تحریم یک‌جانبه جمهوری اسلامی توسط آمریکا و غرب از منظر حقوق بین‌الملل، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری، مؤسسه مدیران ایده-پرداز پایتخت ویرا، آذر، صص ۱-۸.
- مافی، همایون (۱۳۸۵)، تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ش ۱، صص ۵۹-۸۴.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، چ ۱، تهران: نی.
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۷)، انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۴، زمستان، صص ۳۴۹-۳۴۱.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۰)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، چ ۴، انتشارات اطلاعات.
- میرحیدر، دره (۱۳۴۵)، ژئوپولوتیک و جغرافیای سیاسی، وحید بهمن، ش ۳۸، صص ۱۲۹-۱۳۵.

- فشندی، نوبان؛ قادری، حسین (۱۳۹۶)، *بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم‌های هوشمند علیه ایران و تأثیرات برجام بر این تحریم‌ها*، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره دوم، تابستان، صص ۱۳۵ - ۱۷۲.
- ولی‌زاده، اکبر (۱۳۹۰)، *رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی*، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۱، بهار، صص ۳۴۹ - ۳۶۵.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸.
- کنوانسیون وین ۱۹۶۹ راجع به حقوق معاهدات.
- میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶.

ب. منابع انگلیسی

- Brownlie, Ian, (1990) *Principles of Public International Law*, Fourth Edition, oxford.
- Riesman, Michael and Douglas L, Stevick (1998), *the Applicability of Int. Law Standards to UN Economic Sanctions Programs*.
- Steiner, Henry J., Philip Alston and Ryan Goodman (2008), *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals: Text and Materials*, Oxford University Press.
- Boed, Roman (2000), *State of Necessity as a Justification for Internationally Wrongful Conduct*, Yale Human Rights and Development Law Journal, Volume 3, Issue 1.
- Dewet, Erika (2001), *Human Rights Limitations to Economics Enforcement Measures under Article 41 of the UN Charter*, Leiden Journal of International Law, vol14, No1.
- Unger Rachel (2015), *Understanding Boycott, Divestment and Sanctions*, Wesleyan University, Middletown Connecticut.
- Doxey Margaret (1996), *“International Sanctions, In World Politics: Power, Inter dependence and Dependence”*, Canada: Harcourt Brace, Jovanovich.
- Malloy Michael (1990), *“Economic Sanctions and U.S. Trade”*, Boston: Little, Brown.
- Hufbauer, Gary, Jeffery Schott (2001), Kimberly Elliot, *“Economic sanctions; Reconsideration today and current policy”*, Washington D.C: institute for Int. Economics.
- Carter, Barry E. (1989), *International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime*, Cambridge University Press.

Cases:

- Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and consular Rights, (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Request for the Indication of Provisional Measures, order of 3 October, 2018.

Documents and Reports:

- Chicago Convention 1944; International Civil Aviation.
- Annex 19 of Chicago Convention 1944: Safety Management System (SMS)
- Bendrath, Ralf, Necessity and Proportionality, EDPS Civil Society Summit, 2016.
- Congressional Research Service, Iran Sanctions, CRS Report prepared for members and committees of congress, Updated January 4, 2019.
- Katz man, Kenneth, Iran Sanctions, Congressional Research Service (USA), 7-5700, RS20871, 2016.
- Smeets, Maarten (2018), Can economic sanctions be effective? WTO Staff Working Paper, No. ERSD-2018-03, World Trade Organization (WTO), Geneva.
- The safety Deficiencies Arising out of the United States Sanctions Against the Civil Aviation of the Islamic Republic of Iran, Presented by Dr. Shahbazilar in ICAO General Assembly.
- Chicago Convention 1944.

Websites:

- <https://www.everycrsreport.com>
- <https://www.econstor.eu>
- <https://www.icj-cij.org>
- <https://edps.europa.eu>
- <https://www.icao.int>

